

مبارزه علیه جمهوری اسلامی : بعد ملی، بعد جهانی

contact@korosherfani.com

کوروش عرفانی

سی خرداد نزدیک است. روزی که نمود مبارزه و ایستادگی در مقابل رژیم پلید و انسان ستیز بوده و معنای تاریخی خاصی را در بر دارد. امسال اما این روز از بار ویژه‌ای برخوردارست زیرا در سراسر دنیا و بخصوص در اروپا وارد یک دوره جدید می‌شویم. دوره سرکوب نهضت‌های آزادیبخش، جنبش‌های مقاومت ملی، حرکت‌های مسلحانه طبقات محروم و خلاصه هر نوع از مقابله با استبداد جهانی‌شدن و اشکال ملی آن.

در این دوره می‌بینیم که چگونه قدرتهای سرکوبگر جهانی یعنی، آمریکا، اتحادیه اروپا، اسرائیل و روسیه دست در دست هم به نام مبارزه با تروریسم تور اختناق، سرکوب و جنایتکاری دولتی و قانونی را بر سر جهان می‌اندازند و دست در دست هم به شکستن اشکال مختلف مقاومت ستمدیدگان و رنجمندان پرداخته‌اند.

این همان جهانی‌شدن سرکوب است.

و در این آشفته بازار که امپریالیسم خفقان‌گرا در حال قلع و قمع نیروهای آزادیخواه سراسر جهان است، اوضاع برای رژیم‌های دیکتاتوری و جنایتکاری مانند جمهوری اسلامی بسیار مناسب شده تا دیگر بدون مزاحمتی اقدام به گسترش و تشدید سرکوب و کشتار مبارزان بنمایند. تعداد بیشمار اعدامها در این چند ماه اخیر در ایران نشان می‌دهد که این فضای بین‌المللی ضد آزادی مانند آب دریاست برای کوسه‌های درنده نظام‌هایی شبیه جمهوری اسلامی ایران.

هر چند در اینجا فرصت توسعه و بحث مفصل در این باره نیست اما نباید کمترین شکی داشت که همدستی بین‌المللی سرکوب‌گران آمریکایی، اروپایی، اسرائیلی و روسی، متحدان خود را در دیکتاتوریهای از نوع ایران و عربستان و پاکستان و اندونزی و فیلیپین خواهد یافت و قتل‌عام قانونی، استرلیزه شده و "مشروعیت" یافته مبارزین و آزادیخواهان به نام تروریسم و عناصر نامطلوب برای امنیت و غیره آغاز خواهد شد.

واقعیت این است که نابرابری دنیاها در سطح جهانی و نابرابریهای طبقاتی در سطح ملی در کشورهای سرمایه داری به حدی رسیده که امروز همه‌شان در مقابل یک واقعیت روشن قرار گرفته‌اند: یا قبول رسمی شکست الگوی سرمایه‌داری طبقاتی و یا آغاز یک دوره از جنگ‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی به بهانه‌های پوچ و واهی بر علیه مردم ستمدیده و مظلوم در گوشه و کنار دنیا.

انتخاب اول در حال حاضر که جهان سرمایه‌داری یکه تاز میدان است و هنوز نعره پیروزی بر کمونیسم آن در گوشها می‌پیچد غیر محتمل بنظر می‌رسد. اما راه دوم که بطور خودکار انتخاب شده است شرایط را برای دوره‌ای سیاه و خونین در جهان آماده می‌کند.

ایکاش این تصویر سیاه می‌توانست به تحقق نیبوند اما باید قبل از امید به آن بسیار واقع‌گرا باشیم و ببینیم چگونه تمام سوپاپهایی که جهان را از حالت انفجاری آن موقتا دور می‌کرد یکی یکی از کار می‌افتند. بطور مثال سازمان ملل متحد که در چند ماه اخیر به همت آمریکا و اسرائیل تا حد یک سازمان مسخره و عقیم نزول کرد، یا از زیر تیغ به درآوردن رژیم‌هایی مانند جمهوری اسلامی از محکومیت‌هایی که تا اندازه‌ای دست سران آنرا برای جنایتکاری محدود می‌کرد و یا مهاجرت به کشورهای اروپایی و آمریکا که تا حدی بارقه امید را در دل میلیونها فقیر و درمانده کشورهای توسعه

نیافته نگه می‌داشت تا به جای اعتراض و فریاد از کشورهایشان به سمت ممالک ثروتمند فرار کنند. همه این مکانیزم‌های ضد انفجاری اینک در حال از بین رفتن است و ممالک غنی که می‌دانند جهانی‌شدن به قیمت گرسنگی و چپاول دو سوم جمعیت دنیا تمام خواهد شد، در پی آن هستند که از یکسو مرزها و درهای ورودی خود را قفل بزنند و از طرفی هم آماده باشند که هر کجای دنیا که گرسنگان و پابرهنگان خواستند اعتراض کنند بروند و آنها را به اسم تروریست، یاغی، خطرناک و غیره قتل عام کنند.

این ۱۱ سپتامبری کردن عقل همگانی، نظم جدید جهانی و دکترین‌های است که ثروت و رفاه خود را به قیمت زجر و دردمندی چند میلیارد انسان جستجو می‌کنند. اینک ما نیز در مقابل چنین انتخابی هستیم: یا تن دادن به این نظم جهانی آمریکایی-اروپایی-اسرائیلی و روسی و جستجوی منافع فردی خود تا بتوانیم از این مهلکه که برای آزادیخواهان جهان مهیا می‌کنند جان سالم بدر بریم و ادامه بقا دهیم، یا باور عمیق به آزادی خود و حق برابر انسانها برای تکامل و پیشرفت.

دیری نخواهد پایید که هر یک از ما در مقابل این انتخاب قرار خواهیم گرفت و جایگاه خود را تعیین خواهیم کرد.

روی سخن من به آنان است که از حالا می‌دانند که درصاف انسانیت و آزادزیستن خواهند بود. امروز با هر عنوان ایدئولوژیکی که داریم، اگر در میان آزادیخواهان هستیم، باید قبل از آنکه خیلی دیر باشد عمل کردن را در راس استراتژی مبارزاتی خود قرار دهیم. باید نشان دهیم که شمع عشق ما به محرومان ایران و جهان با باد سرد قلدان آمریکایی و اروپایی خاموش نمی‌شود. باید نشان دهیم که ادامه مبارزه برای کسب آزادی ایران و دفاع از رنجمندان در هر کجای جهان برای ما عادت و ژست نیست، اعتقاد عمیقی است به این نکته که انسان جز با آزادی، انسان نیست.

به همین خاطر از همه ایرانیان مقیم اروپا که باور دارند مقاومت ما در مقابل رژیم جمهوری اسلامی خدشه بردار نیست و تا سرنگونی و محو آن ادامه خواهد یافت، می‌خواهم، تا بدون توجه به تعلقات سازمانی و ایدئولوژیک خود، در تظاهرات ۳۱ خرداد در کپنهاگ دانمارک شرکت کنند. حتی اگر محدودیتهای تعلق سازمانی برای شما وجود دارد بعنوان یک فرد در این تظاهرات شرکت کنید و بگذارید که این گردهمایی تبدیل به یک نمایش قدرت بر علیه نظام ضد انسانی جمهوری اسلامی و حامیان ضد مظلوم آنها شود.

ما می‌توانیم با شرکت وسیع در این تظاهرات این روز را به یک نقطه عطف تبدیل کنیم، روز وحدت آزادیخواهان و سرآغازی نوین برای نفسی تازه به پیکر مبارزه سرنگون ساز دمیدن.

سرنوشت ما توسط خودمان رقم خواهد خورد، اگر بخواهیم.

× × ×